

بچه‌های مسی

ماهنامه کودک و نوجوان
ماه رجب (فروردین ۱۳۹۶)



رهبري دارم ز جنسه آسمان
رهبري از جنسه خوبان زمان

فهرست مطالب:



- ۴ پیامک‌های شما
- ۱۸ آموزش بازی دست رشته
- ۱۹ کاردستی حیوانات با قاشق یک بار مصرف
- ۲۰ نمک‌دون
- ۲۱ جالب و خواندنی
- ۲۲ ما چگونه به دنیا آمدیم؟
- ۲۳ دانستی‌های مسجدی
- ۲۴ دوست من، قرآن
- ۲۵ اگر شما جای سجاد بودید
- ۲۶ احترام به پدر بزرگ

- عنوان: بچه‌های مسجد
- پدیدآور: معاونت آموزش و پژوهش امور مساجد خراسان
- مشخصات ظاهری: ۲۸ صص مصور رنگی
- یادداشت: گروه سنی ج
- موضوع: دین، کودک و نوجوان
- ناشر: مشهد، انتشارات مهر ۱۳۸۷
- رده‌بندی دیویی: ۳۰۰.۹۴۹ب۵۳۹۴
- شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۸۴۲۶-۱۷-۲
- مدیر مسئول: معاون آموزش و پژوهش
- امور مساجد خراسان (محمد اسماعیلیان)
- سردبیر: محمد آبدنگچی
- تصویرگران: زهره اقطاعی، فاطمه متاله
- صفحه‌آراء: محمد محمدی
- تلفن: ۰۵۱۳۲۰۱۲۰۴۵
- تیراژ: ۲۰۰۰۰ عدد





سلاممممم به همه بچه های گل و گلاب

می‌دونم که از او مدن **بهار** خوشحالید و همونطور که طبیعت تازه و نو شده، شما هم می‌خواهید توی این سال جدید کلی کارهای نو و جدید انجام بدید. همونطور که می‌دونید ما توی دعای تحویل سال می‌خونیم، خداوندا حال ما را در این سال نو به بهترین حال تبدیل کن پس بیائید تصمیم بگیریم در احترام به والدین، خوب درس خوندن و همه کارهای خوب بهتر از سال قبل باشیم. **سال نو** با خودش گل و سبزه و کلی زیبایی به همراه آورده. ما هم برای شما کلی مطالب نو و جدید و خوندنی آوردیم.
پس تا آخر مجله با ما همراه باشید.

و همچنین شما می‌تونید عکسهای زیبای خود را از طریق امام جماعت مسجدتون برای ما ارسال کنید تا بهترین اونها توی جلد های بعدی چاپ بشه.

درضمن شما میتونید، نظرات، پیشنهادات و انتقادات خودتون رو به سامانه پیامکی **۳۰۰۰۸۴۱۲۰۰۰۰۰۳** ارسال کنید تا به اسم خودتون در نشریه چاپ بشه.



پیامک‌های شما...

باسلام اکبری هستم از مشهد. داستان
صبور ترین دانشمند واقعا عالی بود.
لطفا بازم همچنین داستان هایی پخش
کنید. ممنون
۰۷۶۷---۰۹۱۵

پاسخ: سلام، ان شاء الله در
همه نشریات داستان هایی از
معصومین خواهیم داشت.

سلام خسته نباشید. امیدوارم این کار
خیرتون باعث شود تا ظهور آقایمان
حضرت امام مهدی (عج) نزدیکتر
شود.
۰۸۰۵۸---۰۹۱۵

پاسخ: سلام.
اللهم عجل لولیک الفرج

سلام خسته نباشید لطفا جوک و
چیستان هم به ماهنامه اضافه کنید.
۰۶۵۵۷---۰۹۱۵

پاسخ: سلام علیکم. از این به بعد
بخشی با نام نمکدون در نشریه
خواهیم داشت.

عرض سلام وخسته نباشید من هانیه
غلامی هستم. به خاطر اینکه زحمت
می کشید و این نشریه هارا برای
بچه های مسجد تهیه می کنید بسیار
تشکر می کنم. و برایتان آرزوی موفقیت
و پیروزی می کنم.
۰۱۱۲۷---۰۹۰۱

پاسخ: سلام. ممنون از توجه شما.
ان شاء الله موفق باشید.

سلام من خیلی مجله بچه های
مسجد رو دوست دارم همینطور
داستان صبورترین دانشمند
۰۶۵۷۹---۰۹۱۵

پاسخ: سلام، خوشحالیم که این
داستان مورد پسند شما واقع
شده است.



تصاویر بچه های خوب و
دوست داشتنی مسجد النبی
واقع در بلوار میامی.
ارسالی توسط
حجت الاسلام دشتی



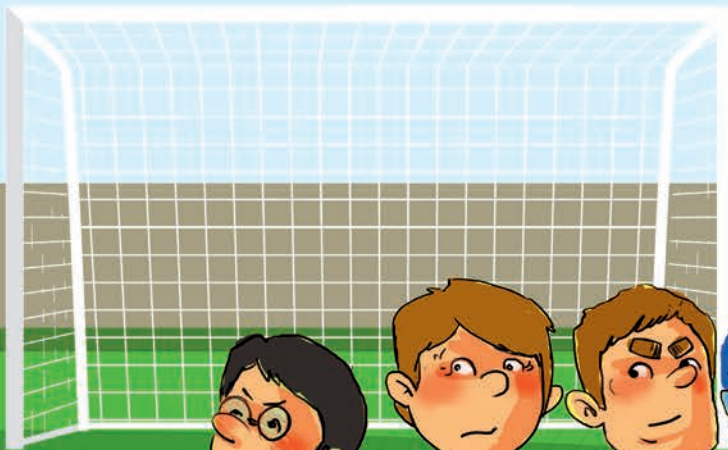
تصویر بچه های خوب و دوست داشتنی روستای جر خشک سفلی از توابع بخش رضویه.
ارسالی از طرف حجت الاسلام محمد موسی اصغری



آنچه گذشت:

با اصرار بچه ها و با پادر میونی نوید (شاگرد زرنگ کلاس) با گروه ۵+۱ مذاکره کردیم و به توافق رسیدیم. قرار شد ما دیگه کاردستی جدیدی درست نکنیم و در عوض اونها اجازه بدن بچه های مدرسه با ما بازی کنن و هفته ای دو بار هم از سوپری محله خرید کنیم! البته من (قاسم) موافق این توافق نبودم و می دونستم اونها روی قول و قرار خودشون نمی ایستن اما چاره ای جز پذیرش نبود.

داستان های ما و گروه ۵+۱



این قسمت: شکستن عهد

زنگ ورزش بود و بچه ها با لباس های ورزشی به صف وارد حیاط شدن. قرار شد یار کشی بشه و برای مسابقات فوتبال چند تا تیم شش نفره تشکیل بدیم.

تا پیش از توافق با گروه ۵+۱ هیچ کدوم از بچه ها جرات نداشتن با من و دوستانم بازی کنن چون میترسیدن از دست اون بچه های بد کتک بخورن اما حالا به توافق رسیده بودیم و اونا قول دادن که دیگه مانع بازی بچه ها با ما نشن!

من منتظر بودم ببینم آیا شاهین و دوستانش سر قول و قرارشون می ایستن یا اینکه همونطوری که فکر میکردم بدقولی میکنن.

خلاصه، یار کشی کردیم ولی دیدم که بازهم کسی حاضر نمیشه با ما بازی کنه. من به شاهین اعتراض کردم و گفتم شما به ما قول دادید که دیگه کسی رو تهدید نکنید تا بچه ها بتونن با ما بازی کنن. شاهین هم گفت ما کسی رو تهدید نکردیم، اینها خودشون دوست ندارن با شما بازی کنن!

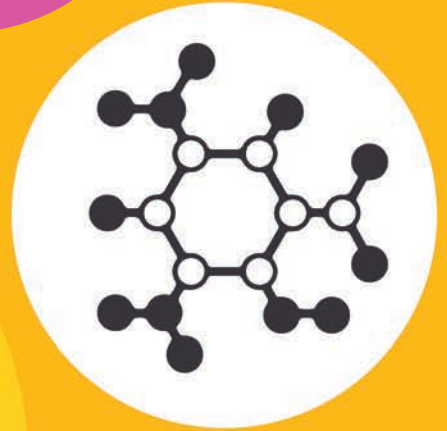
بچه های کلاس هم از ترس اونها چیزی نمیگفتن اما ما میدونستیم شاهین و دوستانش قبل از زنگ ورزش همه اونها رو تهدید کردن که اگه با ما بازی کنن، کتکشون میزنن.

گروه ۵+۱ در ظاهر ادعا میکردن به توافق پایبندن اما در عمل هیچ ارزشی برای این توافق قائل نبودن.





ما می توانیم: فناوری نانو





همانطور که می‌دونید علم،
روز به روز در حال پیشرفت
هست و دانشمندان در
حال کشف و اختراع چیزهای
جدیدی هستن. یکی از
این رشته‌های علمی بسیار
پیشرفته و مهم، نانو هست.

نانو بر خلاف بقیه رشته‌های
علمی، در ابعاد بسیار
ریز کار می‌کنه. یعنی ابعادی
معادل با یک میلیاردم متر!!



● جالبه بدونیم که با فناوری نانو
می‌شه فلزهایی ساخت که از
پلاستیک سبک تر و از فولاد
محکم تر باشن!

● یا این که با فناوری نانو می‌شه
لباس‌هایی درست کرد که
هیچ وقت خیس نمی‌شن! و یا
جورابی که هیچ وقت بوی بد
نگیره!

● فناوری نانو در همه رشته‌های
علمی می‌تونه مورد استفاده
قرار بگیره.

● دانشمندان ایران هم با سعی و
تلاش بسیار و با ایستادگی در برابر
تحریم‌های دشمنان موفق شدن
در این رشته علمی پیشرفت‌های
بسیار چشمگیری داشته باشن و
جزوده کشور برتر در نانو فناوری
قرار بگیرن.

● موفقیت دانشمندان مؤمن و
انقلابی ما در این رشته علمی
پیچیده نشان می‌دهد که:
«ما می‌توانیم»



فصل گل و شکوفه

و زیبا شده و برای چرای دام‌ها آماده می‌گردد و همزمان یخ کوه‌ها بر اثر گرم شدن هوا آب شده و دریاها، جوی‌ها و نهرها پر از آب می‌شود. تمام این زیبایی‌ها و نو شدن‌ها نشانه قدرت خداوند متعال است. خداوندی که فصل‌ها را آفریده و به جای سرمای زمستان، زیبایی‌ها و قشنگی‌های بهاری را جایگزین می‌کند. ما نیز از این نو شدن و تحولات زیبای طبیعت باید درس خداشناسی بگیریم و متوجه قدرت بی‌نهایت خداوند متعال و زیبایی و زیبای دوستی او شویم.

فصل بهار، فصل نو شدن طبیعت و فصل گل و شکوفه است. در بهار حیواناتی که داری خواب زمستانی هستند از خواب زمستانی بیدار شده و درختان نیز از خواب زمستانی هوشیار شده و دوباره شروع به رشد کردن و جوانه زدن می‌کنند. درختان پس از زمستان سرد شکوفه می‌دهند و بوسيله زنبورها گرده‌افشانی می‌کنند. حیوانات نیز در این فصل بچه‌دار شده و تولید مثل می‌کنند.

فصل بهار، فصل معتدل شدن هوا است و در این فصل کشت و کار شروع می‌شود. دشت و صحرا سبز





چه خوب است ما هم خانه دل خودمان را
گردگیری کنیم و بدی‌ها را بیرون بریزیم
و خوبی‌ها را جایگزین کنیم. بیایید همه با
هم در لحظه تحویل سال این دعای زیبا را
زمزمه کنیم:

یا مقلب القلوب و الأبصار
ای تغییر دهنده دلها و دیده‌ها

یا مدبّر اللیل و النهار
ای مدبر شب و روز

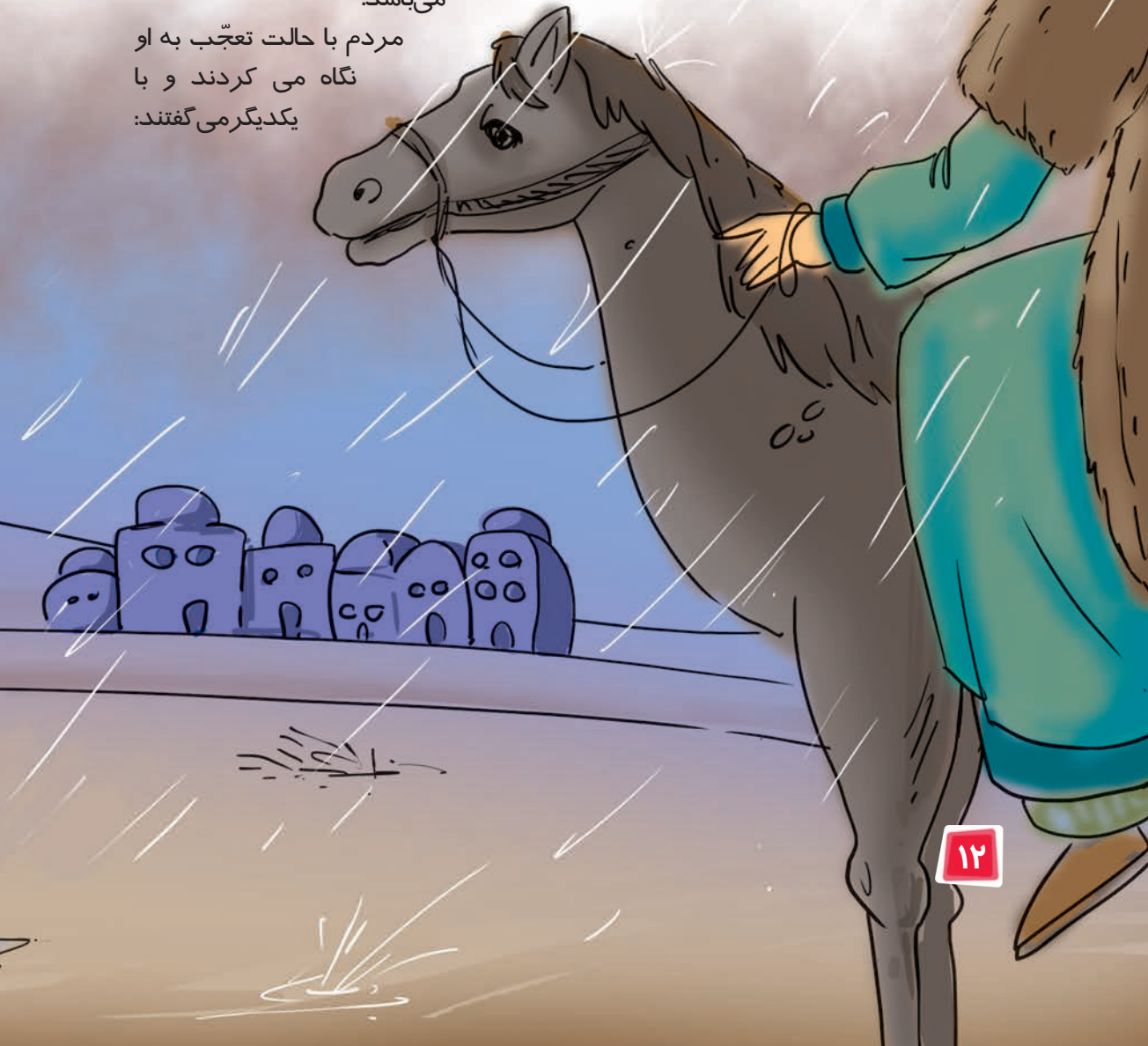
یا محول الحول و الأحوال
ای گرداننده سال و حالت‌ها

حَوِّلْ حَالَنَا إِلَى أَحْسَنِ الْحَالِ
حال ما را به نیکوترین حال تبدیل کن

پیش بینی باران

علی بن مهزیار اهوازی می گوید:
در یکی از روزها بهاری و خوش آب و هوا، وارد
شهر سامراء شدم، اما نمی دانستم که آیا موفق
می شوم امام هادی (علیه السلام) را ملاقات کنم یا خیر؟
هنگام ورود به شهر متوجه شدم که پادشاه ظالم
آن زمان قصد رفتن به صحرا و شکار دارد و
مردم هم همگی لباس بهاری پوشیده اند.
در همین لحظات، امام هادی (علیه السلام) را دیدم که
لباس گرم زمستانی پوشیده و سوار بر اسبی
می باشد.

مردم با حالت تعجب به او
نگاه می کردند و با
یکدیگر می گفتند:



به طوری که تمامی مردم خیس شدند و چون لباس چندانی نپوشیده بودند بسیار ناراحت شده و در زحمت قرار گرفتند، اما امام هادی علیه السلام از این باران شدید کمترین آسیبی ندید.

و این علم و دانش امام باعث شد تا من و بقیه مردم به حقانیت او بیشتر ایمان پیدا کنیم.

مستدرک الوسائل: ج ۲، ص ۵۶۹، ح ۵

هوای امروز صاف و بدون ابر است، مگر زمستان است که حضرت امام هادی علیه السلام با این وضع و با این لباس از منزل بیرون آمده است؟

و خلاصه هرکس به نوعی برایش سوال پیش آمده بود و از علت این کار امام از یکدیگر سوال می کردند و من با مشاهده این جریان، با خود گفتم: اگر او امام باشد، پس چرا چنین لباسی پوشیده است؟!

در همین حین مشاهده کردیم که ناگهان ابری بزرگ پیدا شد و به شدت باران بارید،



عید مبعث



حضرت محمد ﷺ چهل بهار از عمر بابرکت خود را در شهر مکه گذرانیده بود. ایشان برخی از ایام سال را در غار حراء به عبادت مشغول بود و با خداند متعال راز و نیاز می کرد تا اینکه در یکی از روزها متوجه شد کسی او را صدا می کند. با دقت توجه کرد و متوجه شد فرشته خدا، حضرت جبرئیل از جانب خدا برای او پیامی آورده و به او می گوید ای محمد ﷺ تو مامور شده ای مردم را به سوی خدا هدایت کنی و آن ها را به راه راست هدایت نمایی. تو اکنون پیامبر خدا هستی پس مردم را از چهل و نادانی به سوی علم هدایت نما. اما شیطان از این که پیامبر خدا، به پیامبری انتخاب شد بسیار ناراحت شد و فریاد کشید.

ما مسلمان ها این روز را که مبعث نام دارد جشن می گیریم و آن را گرامی می داریم.



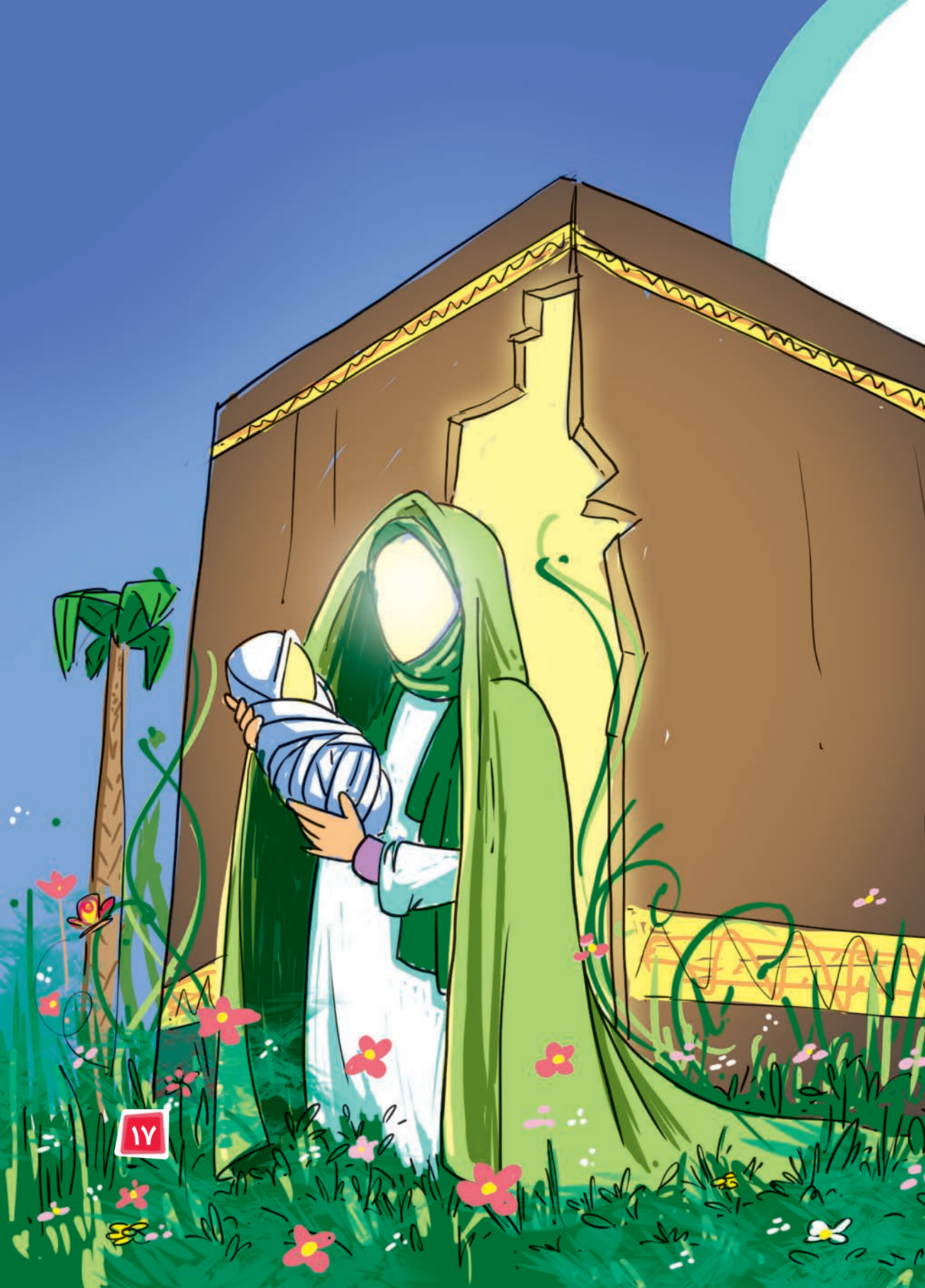
هست مشغول نماز	گوشه غار حرا
سوی او آهسته باز	می شود درهای عرش
ناگهان فرمان وحی	غار را پر می کند
قلبش از باران وحی	با طراوت می شود
بر لبش پیغام دوست	باز می گردد به شهر
شهر را از نام دوست	می رود تا پر کند

سه روز میهمان خدا

خانه‌ی بنت اسد مادر بزرگوار امام علی (علیه السلام) نه ماه برای تولد فرزندش انتظار کشید و وقتی درد زایمانش گرفت به مسجد الحرام رفت و با خدا اینگونه مناجات کرد: «پروردگارا! من به تو و پیامبران تو و کتاب‌هایی که تو فرستاده‌ای ایمان دارم و سخن جدم ابراهیم (علیه السلام) را هم او که این خانه را بنا کرد (در یگانگی تو) تصدیق می‌کنم. پس به حق کسی که این خانه را ساخت و به حق فرزندی که در شکم دارم، زایمان را بر من آسان کن.» پس این مناجات، دیوار کعبه شکافت و فاطمه بنت اسد، وارد کعبه شد و دیوار، دوباره به حالت اول خود برگشت. سه روز از این ماجرای حیرت‌انگیز گذشت و در روز چهارم فاطمه بنت اسد در حالی که فرزندش علی (علیه السلام) را در آغوش داشت از خانه‌ی خدا بیرون آمد و یک راست به سوی

خانه‌ی خود رفت. حضرت ابوطالب پدر امام علی (علیه السلام) از دیدن پسرش خوشحال شد. او می‌دانست خانه کعبه به این‌که چنین کودکی در دل او متولد شده است افتخار می‌کند. به اذن خدا، این کودک بزرگوار زبان باز کرد و به پدر سلام داد. وقتی رسول خدا (صلی الله علیه و آله) برای دیدن پسر عموی نو رسیده‌اش آمد، علی (علیه السلام) از خوش‌حالی تکانی خورد و به پیامبر (صلی الله علیه و آله) لبخندی زد و گفت: سلام بر تو ای رسول خدا.

منبع: کتاب لیخند ستاره‌ها کاری از
آقای غلامرضا حیدری ایه‌ری



آموزش بازی دست رشته

تعداد: گروهی

محل اجرا: فضای باز

ابزار بازی: یک عدد توپ (مثلاً توپ تنیس)

شرح بازی:

راپرتاب می کنند و گروهی که توپ را در دست دارد، با روش های مختلف مانند فرار کردن، توپ را به یاران خود پاس می دهد. افراد گروه مقابل سعی می کنند توپ را یا در هوا و یا هنگامی که به زمین می افتد، به دست آورند.

در بازی دست رشته بازیکنان به دو گروه تقسیم می شوند و در حالی که یاران خود را به خوبی می شناسند در داخل زمین قرار می گیرند و برای این که مشخص شود در ابتدای بازی توپ متعلق به کدام گروه باشد، توپ



کاردستی حیوانات با قاشق یک بار مصرف

وسایل مورد نیاز:

۱- قاشق یک بار مصرف

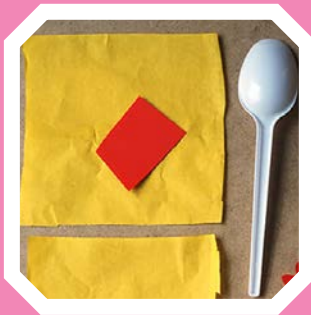
۲- مداد برای نقاشی چشم ها

۳- کاغذ رنگی در رنگ های دلخواه

۴- چسپ ماتیکی

مراحل ساخت:

کاغذ رنگی ها را به بدنه ی قاشق بچسبانید تا بال ها و بدنه ی مرغ درست شود. با رنگ دیگر نوک و کاکل را بسازید و بچسبانید. سپس با مداد چشم ها را بکشید. می توانید با سلیقه ی خود تغییراتی ایجاد کنید و یا عروسک یک حیوان دیگر را بسازید. برای مثال می توانید از تصاویر زیر الگو بگیرید و اشکال دیگر حیوانات را بسازید.





نمکدون



مادر: علی بیا اسفناج بخور آهن داره
علی: آخه مادر جان الان آب خوردم، می ترسم زنگ بزنم

معلم: بگو به غیر از اکسیژن چه چیزهایی در هوا وجود داره؟
شاگرد: آقا اجازه، کلاغ، مگس، پشه...!!!!

مادر: دیشب، دو قطعه شیرینی مونده بود ولی حالا فقط یکی مونده.
دختر: چون هوا تاریک بود، شیرینی دومی رو ندیدم.

معلم: می تونی بگی چرا فلامینگو یک پاش رو بالا نگه میداره؟
شاگرد: چون اگر دوتاش رو بالا نگهداره، می افته!

اولی: چرا زنبور ها گل می خورن؟
دومی: چون دروازه بانیشون خوب نیست!



جالب و خواندنی

- تمساح نمی تواند زبانش را بیرون بیاورد.
- راه راه های بدن ببر همانند اثر انگشت هستند، راه راه های هیچ دو ببری با هم برابر نیست.
- زرافه تار صوتی ندارد و لال است و نمی تواند هیچ صدایی از خود در آورد.
- یک فیل

قادر است پنج تن بار را به آسانی حمل کند.



عجیب ولی واقعی

- روباه ها همه چیز را خاکستری می بینند
- یک زنبور ناگزیر است دو میلیون دفعه روی گل ها بنشیند تا بتواند یک لیوان عسل تولید کند
- تمساح ها با بستن پرده گوش و بینی خود می توانند یک ساعت نفس خود را در سینه حبس کنند و زیر آب بمانند
- زرافه میتواند با زبانش گوشه پایش را تمیز کند ؟



بعضی از بچه ها می پرسند: ما چگونه به دنیا آمدیم؟

شود و به دنیا بیاید. آن وقت مادر دچار درد می شود و به بیمارستان رفته و دکتر ها کمک می کنند تا بچه از درون شکم مادر خارج شود. همه ما بچه ها همینطوری به دنیا آمدیم و بعد از به دنیا آمدن، مادر به ما شیر داد تا بزرگ شدیم و الان می توانیم بازی کنیم، به مدرسه برویم و چیزهای جدید یاد بگیریم.

وقتی پدر و مادر با هم زندگی مشترک را شروع می کنند، خدای مهربون به آن ها فرزندی را هدیه می کند. در ابتداء فرزند درون شکم مادر، یک موجود بسیار کوچک است. این موجود بسیار کوچک کم کم رشد می کند و بزرگ و بزرگ تر می شود تا به اندازه ای می رسد که می تواند از شکم خارج



دانستنی‌های مسجدی

در نماز جماعت، یک نفر روحانی به عنوان امام جماعت جلوتر از بقیه می‌ایستد و بقیه افراد پشت سر او ایستاده و به او اقتدا می‌نمایند. پیامبر ما حضرت محمد ﷺ می‌فرمایند: ثواب یک نمازی که ما به جماعت می‌خوانیم بیشتر از آن است که چهل سال در خانه و به تنهایی نماز بخوانیم.^۱

ثواب نماز جماعت به قدری است که:

اگر اقتدا کننده ۱ نفر باشد، پاداش ۱۵۰ نماز داده می‌شود.
اگر اقتدا کنندگان ۲ نفر باشند، پاداش ۶۰۰ نماز داده می‌شود.
اگر اقتدا کنندگان ۳ نفر باشند، پاداش ۱۲۰۰ نماز داده می‌شود.
اگر اقتدا کنندگان ۴ نفر باشند، پاداش ۲۴۰۰ نماز داده می‌شود.
اگر اقتدا کنندگان و امام جماعت به ۱۰ نفر رسیدند، پاداش ۷۲۸۰۰ نماز دارد.
ولی، همین که تعداد افراد حاضر در نماز جماعت از ده نفر بیشتر شد، اگر تمام آسمانها کاغذ و دریاها مرکب و درختها قلم، و جن و انس و ملائکه نویسنده شوند نمی‌توانند ثواب یک رکعت آن را بنویسند.^۲

۱- مستدرک الوسائل، ج ۶.

۲- همان، ج ۱.



خودش انتخاب کرده اما همه پدر و مادرها و بچه های کوچولو رو آفریده. خداوند از همه برتر و بزرگتره و هیچ کسی شبیه او نیست. بیاید با هم ترجمه این سوره قشنگ رو به صورت شعر بخونیم و حفظ کنیم:

بگو خدایی همتاست

او خالق انسان هاست

خدا که چاره سازه

از همه بی نیازه

او بچه ی کسی نیست

کسی هم بچه اش نیست

حالا بگو تو دنیا

کسی هست شبیه خدا؟

صد آفرین مرحبا

شبیه نداره خدا

سلام به شما بچه های خوب قرآنی. بچه هایی که دوست دارن با قرآن دوست باشن و آیاتش رو یاد بگیرن و بهش عمل کنن. ما هم برای شما بچه های خوب قرآنی یه برنامه خوب داریم. بعد از این توی هر شماره از نشریه بچه های مسجد، تلاش می کنیم با یکی از سوره ها و آیات قرآنی آشنا بشیم.

اولین سوره ای که در این بخش برای شما در نظر گرفتیم سوره توحید نام داره. سوره توحید ۵ آیه زیبا داره و به معرفی خصوصیات خدای مهربون می پردازه. در این سوره می خونیم که خداوند یکی هست که هیچ نیازی به کسی نداره، بلکه همه به او نیازمندند. خدای مهربون ما نه پدر و مادری داره و نه فرزندی برای

دوست من قرآن



اگر شما جای سجاد بودید....

سجاد لباس‌هاشو پوشید و خواست از خونه بره بیرون که مامانش صداش کرد و گفت: سجاد جان، کجا داری میری؟ سجاد که دوست نداشت ماجرا رو برای مادرش تعریف کنه رفت تو فکر که چه جوابی بده.

یه روزی از روز ها، آقا سجاد تصمیم گرفت با پول های توجیبیش برای تولد مادرش یه شاخه گل قشنگ بخره و مامانشو خوشحال کنه. برای همین تصمیم گرفت به گل فروشی نزدیک خونهشون بره اما می‌خواست مامانشو غافلگیر کنه.

حالا اگر شما جای سجاد بودید چه جوابی می‌دادید؟!

جواب سوم: مامان جون، من می‌خوام یک چیزی بخرم اما الان نمی‌تونم بهتون بگم چیه. اما قول میدم وقتی برگشتم بهتون بگم و شما هم با این کار خوشحال بشید. (با این حرف نه دروغی گفته شده و نه برنامه‌های سجاد به هم می‌ریزه)

جواب اول: می‌خوام برای شما یک شاخه گل بخرم!! (با این جواب همه برنامه‌های سجاد برای غافلگیری مامان بهم می‌ریزه)

جواب دوم: می‌خوام برم با دوستانم توی کوچه بازی کنیم!! (این حرف دروغه و دروغگو هم دشمن خداست)



احترام به پدر بزرگ

پدرم می خواست برای پدربزرگ کفش بخرد. مادرم اجازه داد که من هم همراه آن ها بروم. من و پدرم، کفش هایمان را پوشیدیم و جلوی در ایستادیم. اما پدربزرگ هنوز آماده نبود. گفتم: «پدر! بیا برویم بیرون، پدربزرگ خودش می آید.» پدرم گفت: «این کار درست نیست. ما صبر می کنیم تا پدربزرگ هم بیاید. پدربزرگ از همه ی ما بزرگ تر هستند. زودتر رفتن ما بی احترامی به اوست.» پدرم گفت: «یک روز شخصی به همراه پدرش به دیدن امام رفته بودند. او زودتر از پدر وارد اتاق شد.

امام از این رفتار او خیلی ناراحت شدند و گفتند: «این آقا پدر شما هستند، چرا جلوتر از او وارد اتاق شدید؟» آن شخص از کاری که کرده بود خیلی خجالت کشید...» همین موقع پدربزرگ گفت: «من آماده ام برویم.» پدرم در را باز کرد و گفت: «بفرمایید پدرجان!» پدربزرگ برای پدرم دعا کرد و از در بیرون رفت. بعد پدرم به من گفت: «برو جانم!» گفتم: «نه! شما پدر من هستید من جلوتر از شما نمی روم!» پدرم مرا بوسید، بغل گرفت و گفت: «و تو عزیز دل من هستی!» بعد هر دو با هم از در بیرون رفتیم.

منبع: دوست خردسالان



اسامی برندگان جدول شماره ۱۰:

- ۱- فاطمه عرب: مشهد مقدس، روستای حیم آباد، مسجد امام حسن مجتبیٰ (ع)
- ۲- ساجده ندایی: مشهد مقدس، مسجد بیت المهدی
- ۳- سیده فاطمه بنی هاشمی: مشهد المقدس، مسجد ابوالفضل العباس (ع)
- ۴- مهدی حیدری نسب: مشهد مقدس، مسجد الرضا (ع)
- ۵- یونس کمالی: مشهد مقدس، مسجد امام سجاد (ع)
- ۶- مهدی جاودان مهر: فیروزه نیشابور، روستای جمیر حوق، مسجد جامع
- ۷- محمدرضا برز نونی: شهرستان قوچان، مسجد امام رضا (ع)
- ۸- مهدی توانا: مشهد مقدس، روستای تلگرد، مسجد جوادالائمه (ع)
- ۹- معصومه امینی نیک: شهرستان سبزوار، مسجد بلال
- ۱۰- کوثر نظافتی: شهرستان بردسکن، روستای کوشه، مسجد صاحب الزمان
- ۱۱- آلاء ابری: شهرستان قوچان، مسجد شهدای سندل سوز
- ۱۲- مبینا ایزدی: شهرستان فریمان، روستای برات آباد، مسجد صاحب الزمان
- ۱۳- محمد امین بهلول: شهرستان جوین، روستای سردار آباد-مسجد امام حسین (ع)
- ۱۴- بهار بهرآبادی: مشهد مقدس، مسجد حسینی

در صورتی که نام شما جزو برندگان مسابقه جدول می باشد، از امام جماعت مسجد خود بخواهید تا جایزه شما را از امور مساجد دریافت کند



سؤالات جدول

- ۱- با چه فناوری ای می توان فلزهایی سبک تر از پلاستیک و محکم تر از فولاد ساخت؟
- ۲- در غار پیامبر خدا (ص)، به پیامبری برگزیده شد.
- ۳- مولود کعبه کیست؟
- ۴- نمی تواند زبانش را بیرون بیاورد.
- ۵- در کدام سوره قرآن آمده که خداوند پدر و مادر و فرزندی ندارد؟
- ۶- سوره توحید چند آیه دارد؟
- ۷- تار صوتی ندارد و لال است.

دوست عزیز، سلام. لطفا نام و نام خانوادگی، شهرستان محل سکونت و نام مسجد خود را به همراه رمز جدول به سامانه پیامکی ۳۰۰۰۸۴۱۲۰۰۰۰۰۳ پیامک کنید.

نشریه **بچه های مسجد**، ماهنامه‌ای برای کودکان و نوجوانان عزیز است
 که توسط مرکز رسیدگی به امور مساجد خراسان در بین
 بچه‌های مسجدی توزیع می‌گردد.
 شما خواننده گرامی می‌توانید پیشنهادات و انتقادات خویش را
 به سامانه پیامکی ۳۰۰۰۸۴۱۲۰۰۰۰۳ ارسال نمایید.

